



## انواع جناس

ناهید طهرانی ثابت

استادیار، گروه آموزش زبان و ادب فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران ehranisabet@yahoo.com

### چکیده

تدوین علوم بلاغی در تمدن اسلامی از زبان عربی آغاز شده و به زبان فارسی راه یافته است؛ در حالی که ساختار صرفی و نحوی این دو زبان با یکدیگر متفاوت است. همین امر سبب شده تا اشکالاتی در برخی از آرایه‌های لفظی در کتب فارسی بدیع مشاهده شود، از جمله مفهوم «مرکب» در «جناس مرکب» که به معنی «گروه» است و نه آن چه در تقابل با ساده و مشتق در حوزه‌ی واژه سازی می‌شناسیم. در این مقاله ضمن بررسی اشکالات موجود در کتاب‌های بدیعی معاصر، انواع جناس بر اساس اجزای تشکیل دهنده‌ی واژه یعنی صامت و مصوت و نیز واحدهای زبرنجیره‌ی گفتار مانند تکیه و درنگ، تقسیم بندی شده است. بر این اساس می‌توان انواع جناس تام را بر اساس اختلاف معنی، اختلاف محل یا تعداد تکیه، اختلاف خط و نیز اختلاف مینا (به این معنی که در یک واژه یا دو واژه قرار دارد) تقسیم‌بندی نمود و انواع جناس مرکب را در ذیل آن قرار داد. جناس‌های ناقص را که در ذیل تکرارهای ناقص آوایی قرار دارند، می‌توان بر اساس اختلاف در نوع واج‌ها (اعم از صامت و مصوت)، تعداد و نیز ترتیب واج‌ها تقسیم نمود و جناس اشتقاق و مشوش را بدان افزود.

کلید واژه‌ها: بلاغت، بدیع، انواع جناس، واج، واحدهای زبرنجیره گفتار.

### مقدمه

در فرهنگ مصطلحات بلاغی « احمد مطلوب» شصت و یک مدخل برای انواع جناس وجود دارد. با مشاهده این تعداد، به نظر می‌رسد جناس حوزه بسیار گسترده‌ای را دربر داشته باشد؛ اما این امر بیشتر ناشی از اختلاف نظر قدما در نام‌گذاری است. مبنای جناس بر اساس آن چه از تعاریف موجود دریافت می‌شود، واژه است که خود از واج (صامت و مصوت)، تشکیل می‌شود. هر واژه معنایی داشته و به یک گروه دستوری مانند اسم، فعل، حرف و ... تعلق دارد. همچنین به دلیل قرارگرفتن در جمله، نقشی نحوی‌ای را برعهده می‌گیرد. شیوه‌ی نوشتار و خط نیز از دیگر ابعاد آن به شمار می‌رود. علمای بلاغت عمدتاً این موارد را در تقسیم‌بندی جناس در نظر داشته‌اند. سکاکی در کتاب «مفتاح‌العلوم» انواع جناس ناقص را بر اساس تعداد، نوع، ترتیب و هیئت حروف (حرکات و وزن کلمه) تقسیم‌بندی و به‌طور مختصر تعریف نموده است. در این مقاله ضمن بررسی اشکالات موجود در کتب بدیعی معاصر، امکان تقسیم‌بندی انواع مختلف جناس بر اساس اجزای تشکیل دهنده‌ی واژه و برخی از واحدهای زبرنجیره‌ی گفتار، نظیر: تکیه و آهنگ بررسی شده است. این طبقه‌بندی اشکالاتی را که در عدم تطابق تعاریف و مصادیق جناس در برخی موارد وجود دارد، برطرف می‌نماید. در این مقاله علامت (↓)، نشانه درنگ است.

### پیشینه تحقیق

انواع جناس در کتب سنتی عربی و فارسی بدیع بدون تقسیم بندی خاص و با نام‌های عربی وجود دارد. در این میان نویسندگان گاهی نمونه‌های را کم یا زیاد کرده‌اند و یا موارد جدیدی را یافته‌اند. به عنوان مثال جناس مشوش از مواردی است که سکاکی به آن اشاره کرده است. در برخی کتب فارسی معاصر نیز این انواع با نام‌های عربی وجود دارند اما در برخی دیگر از جمله کتابهای درسی انواع جناس به سه نوع اختلافی، افزایشی و حرکتی تقسیم شده است که این تقسیم بندی اگر چه گام موثری در آموزش انواع جناس داشته اما همه انواعی را که گذشتگان به آنها اشاره کرده‌اند دربر نمی‌گیرد. در این مقاله سعی شده است تقسیم بندی جامع تری ارائه شود.

### متن مقاله

#### ۱- انواع جناس تام

در جناس تام دو واژه‌ی مختلف یا به عبارتی دو صورت زبانی از نظر نوع، ترتیب، تعداد و حرکات حروف با یکدیگر مشترک و در نتیجه هم‌آوا هستند. در این صورت اختلاف معنی، وجه ممیز دو واژه به شمار می‌رود که از بافت و آهنگ کلام دریافت می‌شود. مانند بیت زیر از سعدی:

غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حصر خویش



قدما برای این نوع، فروعی قائل شده‌اند. آنها معتقدند اگر ارکان جناس از نظر دستوری یعنی اسم یا فعل بودن یکسان باشند، جناس «مماثل» و اگر مختلف باشند یعنی یکی فعل و دیگری اسم باشد، جناس «مستوفی» نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد این امر ناشی از اختلافی باشد که در جایگاه تکیه‌شان وجود دارد. در زبان فارسی، تکیه در اسم و صفت و هر آن چه در جمله جانشین آنهاست در هجای پایانی است؛ اما در فعل بر حسب شکل آن با اسم متفاوت است؛ مثلاً در فعل «می‌روم» تکیه بر روی هجای آغازین «می» است و در فعل ماضی ساده «نشستم» تکیه بر روی هجای پیش از پایانی است، بجز در صیغه‌ی سوم شخص مفرد که تکیه بر هجای پایانی است (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۶۳: ۱۴۰). صرف نظر از درستی یا نادرستی این دلیل می‌توان از تکیه و تعداد آن در تبیین انواع جناس استفاده کرد. در بیت زیر:

از آن زمان که ز چشمم برفت رود عزیز  
کنار دیده من همچو رود جیحون است (حافظ)

واژه‌ی «رود» بار اول به معنی «فرزند» و بار دوم به معنی «جوی آب» است. از آن جا که هر دو واژه اسم هستند، تفاوتی در جایگاه تکیه آن‌ها وجود ندارد و از واژگان مجاور یا به عبارت دیگر از جمله می‌توان تفاوت معنایشان را دریافت؛ اما گاهی جملات نیز تفاوتی ندارند و تنها آهنگ ناشی از درنگ است که این تفاوت را آشکار می‌نماید؛ مانند بیت زیر:

چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت  
چون ازو گشتی همه چیز از تو گشت

(مولانا)

فعل «گشت» یکبار در معنای فعل ربطی (شدن) و بار دیگر در معنی فعل تام (پشت کردن) به کار رفته است، که اختلاف معنایشان از طریق «درنگ» یا «تکیه جمله» دریافت می‌شود؛ یعنی آن چه زبان‌شناسان از مقوله‌ی واحدهای زبرزنجیره گفتار به شمار می‌آورند. یا در بیت زیر (منسوب به مولانا):

آن یکی شیر است کادم می‌خورد  
آن یکی شیر است کادم می‌خورد  
(منسوب به مولانا):

در این جا هر دو شیر اسمند با این تفاوت که در یکی نقش فاعل و در دیگری نقش مفعول دارند. این تغییر را از طریق جایگاه درنگ (↓) می‌توان دریافت. این نوع نزد قدما از مقوله‌ی جناس مماثل است؛ اما در جناس مستوفی که در آن یک رکن «اسم» و دیگری «فعل» است، تفاوت جایگاه تکیه تغییر معنا را بیشتر آشکار می‌کند. مانند بیت زیر :

قیامت کسی بیند اندر بهشت  
که معنی طلب کرد و دعوی بهشت

(سعدی)

در مصرع اول «بهشت» اسم و در معنی باغ بهشت است و در مصرع دوم فعل ماضی ساده از مصدر «هستن» که «با» زینت شده است که جایگاه تکیه از هجای آخر به هجای اول منتقل شود لذا با «بهشت» در معنی اسم که تکیه‌اش بر روی هجای آخر است تفاوت دارد.

#### ۱- ۲ جناس مرکب

خطیب قزوینی جناس مرکب را نوعی جناس تام می‌داند. نکته‌ای که در این جا باید به آن توجه شود در نامگذاری آن نهفته است. این نام در کتب بلاغی عربی و فارسی یکسان به کار می‌رود، اما این مفهوم (در این مورد) در زبان عربی و فارسی اندکی متفاوت است. جناس مرکب جناسی



است که یکی از ارکان آن حداقل از دو واژه و یا به عبارتی از یک گروه تشکیل شده باشد. مفهوم مرکب در این جا به معنی «ترکیب» و یا به اصطلاح زبان‌شناسان «گروه» است یعنی همان چیزی است که در ترکیب اضافی و وصفی وجود دارد نه آن چه به عنوان کلمه‌ی ساده، مرکب و مشتق - مرکب در ساخت واژگان فارسی (واژه سازی) می‌شناسیم؛ به عبارت دیگر در جناس مرکب یکی از دو رکن جناس، یک واژه ( ساده یا مرکب، مطابق ساخت زبان فارسی) و رکن دیگر یک گروه است. در «جناس مرکب» یک واژه، چه ساده و چه مرکب، در کلام به اجزای معنادار آن تقسیم می‌شود و با شکل قبلی خود نوعی جناس تام را به وجود می‌آورد که تعداد تکیه‌شان با یکدیگر متفاوت است؛ زیرا یکی از ارکان، گروه است و حداقل از دو واژه تشکیل شده است و هر واژه تکیه‌ی جداگانه‌ای دارد؛ مانند این بیت:

زان شده در پیش شاهان دورباش      کای شده در پیش شاهان دورباش

(عطار)

در این بیت «دورباش» مصرع اول، یک اسم مرکب است و «دورباش» مصرع دوم، نیز یک گروه (مسند و فعل ربطی) است. بنابراین تعریفی که در کتب بدیعی معاصر فارسی در باب جناس مرکب وجود دارد و آن را به کار بردن دو واژه، یک بسیط یا حکم بسیط و دیگری را مرکب می‌داند نارسا است. در کتاب «انوارالربیع» در باب جناس مرکب آمده است: «فهو ما تماثل رکنه و کان احدهما کلمه مفردة و الآخر مرکبا من کلمتین فصاعدا» (المدنی، ۱۹۶۸، ج ۱ / ۹۸)؛ یعنی یکی از دو رکن، یک کلمه و دیگری مرکب از دو کلمه و بیشتر است و دیگر سخنی از ساده و مرکب به معنایی که در حوزه‌ی واژه‌سازی زبان فارسی می‌شناسیم، وجود ندارد. در جناس مرکب گاه تعداد تکیه ثابت می‌ماند و تنها جایگاه آن تغییر می‌یابد؛ مانند آن چه در جناس مستوفی مشاهده کردیم. به عنوان مثال در ابیات زیر که به ترتیب از سعدی و اهل شیرازی است.

هر خم زلف پریشان تو زندان دلی است      تا نگیوی که اسیران کمنند تو کمن

خواجه در ابریشم و ما در گلیم      عقبست ای دل همه یکسر گلیم

«کمند» اول به معنی «ریسمان» و «کمند» دوم به معنی «کم هستند» به کار رفته که از دو واژه تشکیل شده است؛ اما شکل نوشتاری آن به گونه‌ای است که تعداد تکیه‌شان به یکی تقلیل یافته است. این مطلب در باب «گلیم» و «گل هستیم» نیز صادق است. در مواردی که جزء معنی‌دار از مقوله‌ی شناسه مخفف فعل یا حرف اضافه‌ای باشد که با ضمائر اشاره ترکیب می‌شود، تعداد تکیه ثابت می‌ماند. در این صورت اگر آوا تغییر نیابد و تنها جای تکیه تغییر کند، مثل «کمند» و «کمند» در مثال‌های گذشته جناس تام است و اگر آوا تغییر یابد از جناس ناقص خواهد بود؛ مانند مثال زیر:

تا قیامت هر چه جنس آن بدان      در وجود آید بود رویش بدان

(از مولوی)

رکن اول به معنی «بدها» و رکن دوم به معنی «به آن» است که تعداد تکیه‌ی آن‌ها ثابت است، اما از نظر آوایی متفاوتند که می‌توان آن را از مقوله‌ی جناس مشوش - که به آن اشاره خواهد شد - دانست. اما در بیت (از اسدی):

بد او خسروی نامور شهریار      شهی کش نبد کس به صد شهر یار



رکن اول یک واژه و یک تکیه و رکن دوم دو واژه و دو تکیه دارد.

علمای بلاغت برای این نوع جناس مرکب با توجه به جنبه نوشتاری اش انواعی قائل شده‌اند؛ به این معنی که اگر دو رکن جناس در نوشتار نیز مشابه باشند مانند بیت مذکور، جناس مرکب از نوع مقرون و اگر متفاوت باشند مانند بیت زیر (از اسدی)، از نوع مفروق خواهد بود:

یکی دخترری بود کز دلبری      پوری را به رخ کردی از دلبری

### ۱-۲-۱ جناس مرفو و جناس ملفق

جناس مرفو را نیز از مقوله‌ی جناس مرکب شمرده‌اند. در این نوع یکی از ارکان، از ترکیب یک کلمه و حرفی از کلمه‌ی پیش از خود تشکیل شده است که مجموعاً در رکن دیگر به شکل یک واژه وجود دارد؛ به عنوان مثال (از نظامی):

چاره‌ی ما ساز که بی‌یاوریم      گر تو برانی به که روی آوریم

(از نظامی)

در جناس ملفق حروف دو کلمه در یکدیگر تلفیق شده و معنای تازه‌ای را ایجاد می‌کنند؛ مانند «مجال سجد» با «مجالس جود» و یا «ارا قدمی» با «اراق دمی».

در کتب بدیع فارسی جناس ملفق را مرکب بودن دو رکن دانسته‌اند (همایی، ۱۳۷۱: ۵۴) در حالی که مرکب بودن دو رکن در کتب عربی به معنی گروه بودن است که از دو کلمه یا بیشتر تشکیل می‌شود. ضمن این که این تعریف کامل نیست زیرا باید حروف کلمات گروه در رکن دیگر با یکدیگر تلفیق شوند و گروه جدیدی را ایجاد کنند.

ای دل در این دیار نشان وفا مجوی      جز درد یار ما نبود در دیار ما(؟)

### تکرار آوایی دو صورت زبانی یا انواع جناس تام

اختلاف معنی	اختلاف معنی و تکیه	اختلاف معنی و تعداد تکیه	اختلاف معنی و مینا (واژ آمیزی)	اختلاف معنی و تعداد تکیه و خط
جناس مماثل (رود = فرزند رود = نهر)	جناس مستوفی: ( بهشت = باغ بهشت و بهشت = رها کرد) برخی از انواع جناس مرکب: (کمند = طناب کمند = کم اند)	جناس مقرون (از انواع جناس مرکب): (شهر یار و شهر یار)	جناس مرفو: (روی آوریم و بی یاوریم) جناس ملفق: (درد یار و در دیار)	جناس مفروق: (دلبری و دلبری)

### ۲- انواع جناس ناقص

سکاک و پیروانش چهار عنصر نوع، تعداد، ترتیب و هیئت حروف را عامل ایجاد انواع جناس دانسته‌اند. هرگاه دو رکن جناس در یکی از این موارد مختلف باشند، جناس ناقص حاصل می‌شود. اگر دقیقاً به این عوامل پایبند باشیم تغییراتی در تقسیم‌بندی کنونی خواهیم داشت و می‌توانیم تمام انواع جناس را به چند نوع اصلی تقلیل دهیم که عبارتند از:

### ۱-۲ جناس اختلافی ( مضارع و لاحق، جناس لفظ، جناس خط، جناس محرف)

<sup>۳</sup> مثال هایی که در این کتاب و کتب متأثر از آن برای جناس ملفق وجود دارد اغلب از مقوله‌ی جناس مرکب است. مانند:

از نخل امید خویشتن بر چینی (همان: ۵۵)



اگر دو رکن جناس از نظر نوع حروف مختلف باشند، در صورتی که جایگاه تلفظشان به یکدیگر نزدیک باشد یا به تعبیر قدما قریب‌المخرج باشند، مانند «رُک و تُرک/ خیل و خیر»، جناس مضارع و هرگاه بعیدالمخرج باشند، مثل «خار و نار/ شهید و شدید» جناس لاحق نامیده می‌شود. این اختلاف می‌تواند در حروف آغازین، میانی و یا پایانی باشد و نباید بیش از یک حرف را شامل شود (خطیب قزوینی، بی تا: ۳۹۶) علی‌رغم این که سکاکی دو حرف را نیز مجاز دانسته و عبارت «ما خصصتی و انما خسستنی» را برای آن مثال آورده (سکاکی، بی تا: ۲۲۷) اما پس از او، تنها اختلاف در یک حرف جایز شمرده شده است.

ارکان جناس خط یا تصحیف در شکل حروف یکسان و در نقطه مختلفند مانند «فضا / قضا، سور / سوز». این ویژگی تنها به نقاط حروف اختصاص ندارد و مواردی نظیر «قائل و قابل»، «ترک و ترک» را نیز شامل می‌شود. این اختلافات سبب تغییر در تلفظ است زیرا نوع صامت تغییر می‌کند. در نتیجه می‌توان آن را از انواع جناس اختلافی به شمار آورد؛ تصحیف را برخی در بابتی جداگانه و از انواع مؤاربه (مکر و فریب) به شمار آورده که اغلب به جهت در امان ماندن از خطر و یا الغاز و تفنّن بوده است (گرکانی، ۱۳۷۷: ۳۲۰). و برخی دیگر از انواع جناس به شمار آورده‌اند (مطلوب، ۲۰۰۰: ۳۵۵) برخی نیز معتقدند این امر در گذشته ناشی از خطا در شنیدن و خواندن بوده (عبدالطوب، ۱۳۷۶: ۱۰۳) شعرا گاه به وجود تصحیف در شعر خود تصریح کرده‌اند؛

مجلس انس حریفان را هم از تصحیف انس در تنوره‌ی کیمیای جانِ جان افشاندن‌ای

(خاقانی)

تصحیف انس، آتش است. دکتر شمیسا این انواع را از مقوله‌ی جناس مصحّف دانسته است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۵)، اما انس و آتش هیچ نوع هم‌نوابی و هم‌جنسی با یکدیگر ندارند ضمن این که واژه‌ی آتش اصلاً در بیت ذکر نشده، بنابراین تنها تصحیف است و نه جناس مصحّف. مواردی همچون «سوز و سوز»، «توشه و بوسه»، «معتز و مغتر» اگر چه تصحیف‌اند اما بیشتر به سجع نزدیکند تا جناس. در جناس اختلافی اغلب اختلاف یک حرف جایز است (رک: خطیب قزوینی، بی تا: ۳۹۶) بویژه در کلمات یک‌هجایی. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تصحیف دلایل مختلفی داشته است که یکی از آن‌ها ایجاد جناس است. جناسی که همان جناس اختلافی است با این ویژگی که واج‌های مختلف در شکل حروف مشابهند. در جناس لفظ، ارکان جناس در حروفی مختلفند که تلفظی متناسب و شکلی متفاوت دارند، مانند «ناظره و ناضره»؛ این نوع شامل صامت‌هایی است که چند صورت زبانی دارند؛ مانند «ز، ذ، ض، ظ، ط، ث، س، ص». که در زبان عربی هر کدام مخرج جداگانه‌ای دارند و یکسان تلفظ نمی‌شوند، اما تلفظ آنها با یکدیگر مناسبت دارد. این نوع در زبان عربی شامل «ه و ه و نون و تنوین» نیز هست (المدنی، ۱۹۶۸: ج ۱/ ۱۹۳). از آن جا که در این نوع جناس حروف دو رکن با یکدیگر مختلفند می‌توان آن را از انواع جناس اختلافی به شمار می‌رود و شاید به این دلیل است که سکاکی و خطیب قزوینی این نوع را ذکر نکرده‌اند. در زبان فارسی این نوع کلمات تلفظی یکسان دارند؛ مانند «طور و تور»؛ زیرا ما صامت‌هایی را که چند صورت زبانی دارند یک واج به شمار می‌آوریم یعنی «ز، ذ، ض، ظ» همگی یک واجند. از این رو کسانی که جناس را تنها از جنبه‌ی آوایی‌اش در نظر دارند، این نوع جناس را از انواع جناس تام شمرده‌اند در حالی که جناس تام حوزه‌ی اشتراک لفظی است که علاوه بر جنبه‌ی موسیقایی‌اش برای غافلگیری نیز به کار می‌رود. اختلاف نوشتار و خط در این نوع جناس، کارکرد جناس تام را ندارد یعنی نشان می‌دهد که ما با دو واژه مواجهیم به همین دلیل باید آن را از انواع جناس ناقص به شمار آورد. در صورتی می‌توانیم آن را جناس تام بدانیم که تنها شعر شنیده شود آن هم به زبان فارسی نه عربی زیرا نزد اعراب این واج‌ها مخرج جداگانه‌ای دارند. جناس لفظی علاوه بر موارد فوق مواردی همچون «خوار و خار» و «خواستن و خاستن» را که واو معدوله دارند و در گذشته تلفظ می‌شده است، شامل می‌شود.

جناس محرف آن است که ارکان جناس در هیئت حروف (حرکت و سکون) مختلف باشند؛ مانند سَوار و سِوار، خَلق و خُلِق و تَرک و تَرک. تشدید نیز در این مقوله جای دارد و حرف مشدّد در حکم یک حرف است مانند مفرط و مفرط (سکاکی، ۲۲۷). در کتاب «نگاهی تازه به بدیع» جناس محرف، اختلاف در مصوت کوتاه است و اختلاف در مصوت بلند تحت عنوان «جناس اشتقاق» از این مقوله خارج شده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۶). استاد همایی نیز مواردی همچون زمین و زمان، آستان و آستین، کمان و کمین، پارسی و پارسا، توختند و تاختند، سوختند و ساختند را از مقوله‌ی جناس شبه‌اشتقاق دانسته‌اند (همایی: ۶۱-۶۳). هم‌چنین در کتب درسی دبیرستان، مصوت‌های بلند، در شمار صامت‌ها قرار دارد و اختلاف

<sup>۴</sup> «فالمصحّف هو ما تماثل رکنه فی الحروف و تخالفا فی النقط» (المدنی، ۱۹۶۸: ج ۱/ ۱۸۰).

<sup>۵</sup> «و هو ما تماثل رکنه خطأ و اختلفا لفظاً» (ابن حجه حموی به نقل از مطلوب، ۲۰۰۰: ۳۵۵).

<sup>۶</sup> «أما الجناس اللفظی فهو ما تماثل رکنه و تجانسا خطأ و خالف احدهما الآخر بابدال حرف فیه مناسبة لفظیة».



در آن از مقوله‌ی جناس اختلافی به شمار رفته است؛ به این معنی که «بازار و بیزار» در کنار «بخت و رخت» و «یاد و یار» مطرح شده است (هادی، ۱۴۷: ۱۳۷۵). در حالی که اصوات عله یعنی حروف «ا، و، ی» همان مصوت‌ها هستند. مصوت صدایی است که به هنگام تولید، هوا پس از عبور از حنجره بدون برخورد با مانع و ایجاد انسداد و سایش و لرزش از مجراهای حلق و دهان آزادانه عبور می‌کند. از این نوع که بگذریم بقیه‌ی اصوات، صامت نام دارند. اصوات عله در زبان عربی همان است که نحویشان حرکات یعنی فتحه، ضمه، کسره و حروف مد نامیده‌اند. زبان‌شناسان پیشین عرب آن اندازه که به صامت‌ها توجه داشتند به اصوات عله یا مصوت‌ها توجه ننموده‌اند. آنان مصوت‌ها را تابعی از صامت‌ها دانسته و استقلالی برایشان قائل نبوده‌اند؛ این جنی در این مورد می‌گوید: رابطه‌ی حرف با حرکت مانند رابطه‌ی محل با عرض است. به همین دلیل حرکت برای تحقق نیازمند به حرف است. آن چه زبان‌شناسان را گرفتار این خطا کرده، آن است که در کلمات عربی برای حرکات یا اصوات عله‌ی کوتاه، علامتی در درون ساختمان کلمات آورده نمی‌شود، بلکه علایم آن در بالا یا پایین حرف گذاشته می‌شود و همین امر موجب شده آنان تصور کنند که حرکات تابعی از حروفند و نه نمادهایی برای اصوات کاملاً مستقل و در ردیف صامت‌ها. آنان مرتکب اشتباه دیگری نیز شده‌اند و آن عبارت از این که مصوت‌های بلند را اصوات صامت به شمار آورده‌اند. به همین دلیل قبل از الف، علامت فتحه (قال) و قبل از واو علامت ضمه (یدعوا) و قبل از یاء (قاضی) علامت کسره نهاده‌اند. این اشتباه نیز ناشی از خطا عربی است؛ زیرا در این خط نماد مصوت‌های بلند برخلاف مصوت‌های کوتاه که در خارج آن قرار دارد، در داخل ساختمان کلمه گذاشته می‌شود (عبدالطوب: ۴۴۹-۴۵۲) از این رو مصوت‌های بلند از مقوله‌ی صامت به شمار می‌آیند در حالی که مصوتند؛ به همین دلیل ما در این مقاله تغییر در مصوت بلند را نیز از مقوله‌ی جناس محرف به شمار آورده‌ایم تا در تعیین نوع جناس از قواعدی مشخص پیروی کنیم. براین اساس مواردی همچون «زمین و زمان، دادار و دیدار، دارا و دارو، پیر و پار» و حتی «دور و دور» که یکی از مصوت‌های آن مرکب است جناس محرف یا حرکتی است که خود از انواع جناس ناقص اختلافی به شمار می‌رود..

#### ۲-۲ جناس افزایشی (مذیل، مطرف)

در این نوع، ارکان جناس از نظر تعداد حروف یا صامت با یکدیگر متفاوتند. به عبارتی یک حرف به آغاز، میان یا پایان یکی از ارکان افزوده می‌شود. مانند «تاب و عتاب، کار و کنار، سر و سرو». گاه این تعداد در آغاز و پایان بیش از یک حرف و در واقع یک هجاست؛ مانند «کار و پیکار، سوا و سوانح، روز و پیروز، سر و سراب، دف و دفین، کار و کاردان و ناز و نازنین» که می‌توان این موارد را از مقوله‌ی جناس اشتقاق یا شبه اشتقاق دانست. در این میان مواردی همچون «ساق و ساقی، خار و خارا و گرد و گردو» جناس افزایشی است..

#### ۲-۳ جناس قلب یا عکس

در این نوع، ارکان جناس از نظر ترتیب حروف با یکدیگر متفاوتند؛ مانند، «ترت و رتبت». خطیب قزوینی آن را به دو نوع تقسیم می‌کند؛ قلب بعض مانند «رحیم و حریم»، و قلب کل مثل «گنج و جنگ» که اگر در آغاز و پایان یک بیت قرارگیرد مقلوب مجتّح (بالدار) نامیده می‌شود (خطیب قزوینی، بی تا: ۳۹۸).

رام شدد دل بـ بدان بـست عـیـار      لـبـش افسـونـگر اسـت و زلفـش مـار(؟)

برخی واقع شدن قلب کل در آغاز و پایان مصراع را نیز از این نوع به شمار آورده‌اند (گرکانی، ۱۳۷۷: ۲۹۱)؛ مانند بیت زیر (از قوامی):

گـنـج دـولـت دـهـد کفـایـت جـنـگ      رـای نـصـرت کـنـد حـمـایـت یـار

#### ۲-۴ اشتقاق

سکاک و خطیب قزوینی بر خلاف رادویانی و وطواط که تمام موارد مشهور اشتقاق و شبه اشتقاق را در کتب بلاغت عربی با عنوان تجنیس مطرح شده‌اند، تحت عنوان اشتقاق یا اقتضاب از جناس جدا می‌کند آن را از ملحقات جناس به شمار آورده‌اند. در این صورت باید اشتقاق وازگان در زبان فارسی را نیز به آن بیفزاییم؛ یعنی آن چه در کتاب «نگاهی تازه به بدیع» تحت عنوان «جناس پسوند» مطرح شده است؛ مانند: «غم و

<sup>۷</sup> اگر واک که به کمک ارتعاش تار آواها در حنجره تولید می‌شود در گذر خود از اندام‌های گویایی به آن چنان مانعی (از نوع انسدادی، سایشی، غلطان، کناری و غیره) برخورد نکند که در نتیجه‌ی آن، آوای تازه‌ای بدان افزوده شود؛ آن را واکه (مصوت) می‌گوییم. اما اگر واک یا هوای بازدم در گذر خود از اندام‌های گویایی

به آن گونه مانعی از انواع بالا برخورد کند که در نتیجه‌ی آن آوای تازه‌ای به آن افزوده شود آن آوا را همخوان (صامت) می‌گوییم (حق شناس، ۱۳۸۴: ۷۳)

غمخوار»، «ناز و نازنین» و «گل و گلستان». در این کتاب اشتقاق عربی مانند «رسل و رسایل»، «والی و ولایت» و مواردی همچون «خواهان و خواهش و خواهنده» که از اشتقاق زبان فارسی است جناس ریشه نامیده شده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۰۰). همچنین اختلاف در مصوت بلند مانند «دارا و دارو» و اختلاف در یک مصوت بلند و یک مصوت کوتاه نیز نوعی اشتقاق دانسته شده که در این مقاله، همانطور که قبلاً نیز بدان اشاره شد در زمره‌ی انواع جناس اختلافی به شمار رفته است.

#### ۵-۲ جناس مطلق

سکاکي این نوع جناس را جناس مشابهت می‌نامد و آن عبارت از این است که دو رکن در حروف و حرکات مختلف باشند، اما بین آنها مشابهتی باشد به گونه‌ای که به نظر رسد از یک ریشه مشتق شده‌اند؛ زیرا همه‌ی حروف یا بیشتر آن در دیگری موجود است. به این نوع شبه‌اشتقاق نیز گفته‌اند؛ به عنوان مثال در آیه‌ی «و جنی الجنّین دان» جنی و جنه شبه اشتقاقند و یا در آیه‌ی «یا اسفی علی یوسف» که اسف و یوسف از یک ریشه مشتق نشده‌اند. جناس مطلق یا شبه اشتقاق به خوبی می‌تواند موارد را که اختلاف آن‌ها بیش از دو مورد است را پوشش دهد به عنوان مثال میان «سرشت و سرنوشت»، «زیر و زبر» تجانسی دیده می‌شود اما قرار دادن آن تحت عنوان انواعی غیر از اشتقاق ممکن نیست زیرا اختلاف آن دو بیش از دو مورد است به همین دلیل می‌توان آن را جناس مطلق نامید.

#### ۶-۲ جناس مشوش

در مفتاح العلوم سکاکي، شاهد نوعی از جناس هستیم که در «الایضاح» قزوینی و کتب متأثر از آن بویژه کتب فارسی بدیع دیده نمی‌شود. در این نوع که «مشوش» نام دارد، دو ویژگی از انواع مختلف جناس حضور دارد؛ به عنوان مثال براءة و بلاغة شرایط جناس مضارع (اختلافی) و جناس خط را با هم دارد. این نام برای انواعی که در یک مقوله نمی‌گنجد به کار می‌رود. خلاصه‌ی مطالب فوق را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود.

#### تکرار ناقص آوایی یا انواع جناس ناقص

اختلاف نوع صامت	اختلاف تعداد صامت	اختلاف ترتیب صامت	اختلاف نوع مصوت	اختلاف در چند نوع
جناس مضارع (خیل و خیر) جناس لاحق (سور و تور) جناس خط (سور و سوز) جناس لفظ (خوار و خار)	جناس زاید (سر و سرد) (کار و پیکار) (در و دهر)	جناس قلب (جنگ و گنج)	جناس محرف (دیر و دار)	جناس مشوش (زیر و زبر)

#### نتیجه‌گیری

انواع مختلف جناس را می‌توان بر اساس اجزای تشکیل دهنده واژه تقسیم نمود. این اجزا در جناس تام با جناس ناقص متفاوت است. در جناس تام که آن را تکرار کامل آوایی یک صورت زبانی می‌نامند، شرط اشتراک لفظ و اختلاف معنی وجود دارد. بر این اساس می‌توان انواع جناس تام را بر اساس اختلاف معنی، اختلاف محل یا تعداد تکیه، اختلاف خط و نیز اختلاف مینا (به این معنی که در یک واژه یا دو واژه قرار دارد) تقسیم‌بندی نمود و انواع جناس مرکب را در ذیل آن قرار داد.

جناس های ناقص را که در ذیل تکرارهای ناقص آوایی قرار دارند، می‌توان بر اساس اختلاف در نوع واج‌ها (اعم از صامت و مصوت)، تعداد و نیز ترتیب واج‌ها تقسیم نمود. بر این اساس انواع جناس ناقص به انواع اختلافی (شامل جناس مضارع، جناس لاحق، جناس لفظ، جناس خط و جناس محرف)، افزایشی و ترتیبی دسته‌بندی می‌شود که می‌توان به آن‌ها دو نوع اشتقاقی (شامل جناس اشتقاق و شبه اشتقاق یا جناس مطلق) و مشوش

را نیز اضافه نمود. جناس مشوش پیش از این چندان مورد توجه علمای بلاغت نبوده، اما سکاکی به آن اشاره کرده است. به نظر می‌رسد با این دو نوع اخیر بتوان موارد خاص جناس را تحت پوشش قرار داد.

#### فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، ضیاءالدين، المثل السائر، القسم الاول، مصر، مكتبة نهضة مصر، الطبعة الاولى، ۱۹۵۹.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبداله بن سهل، الصناعتين الكتابه والشعر، حققه الدكتور مفيد قمیحة، بيروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الثانية، ۱۹۸۹.
- جرجانی، عبدالقاهر، اسرار البلاغه، جلیل تجلیل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- خطیب قزوینی، الايضاح، بيروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- حق شناس، علی محمد، آواشناسی، تهران، آگه، (۱۳۵۶) ۱۳۸۴.
- سکاکی، ابویعقوب، مفتاح العلوم، مصر، مطبعة الادبیة بسوق الخضارالقديم، بی تا.
- شمیسا، نگاهي تازه به بدیع، تهران، میترا، ۱۳۸۶.
- صفوی، کوروش، از زبان شناسی به ادبیات، جلد اول: نظم، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۳.
- عبدالتواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، تهران، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- قدامه ابن جعفر، ابی الفرج، نقد الشعر، تحقیق و تعلیق محمد عبد المنعم خفاجی، بيروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- گرکانی، محمد حسین (شمس العلماء)، ابداع البدایع، به اهتمام حسین جعفری، تبریز، احرار، ۱۳۷۷.
- المدنی، علی صدرالدين بن معصوم، انوار الربیع فی انواع البدیع، الجزء الاول، شاکر هادی شکر، نجف، مطبعة النعمان، الطبعة الاولى، ۱۳۸۸ هـ ق - ۱۹۶۸ م.
- مشکوةالدينی، مهدی، ساخت آوایی زبان (بختی درباره‌ی صداهای زبان و نظام آن)، مشهد، دانشگاه فردوسی موسسه‌ی چاپ و انتشار، ۱۳۶۳.
- مطلوب، احمد، معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها، بيروت - لبنان، مكتبة لبنان ناشرون، ۲۰۰۰.
- همای، جلال‌الدين، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما، ۱۳۷۱.
- یول، جورج، نگاهي به زبان، ترجمه‌ی نسرين حیدری، تهران، سمت، ۱۳۸۴.